فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۷، شماره ۱، پاییز ۱۴۰۱، صفحات ۲۶۲-۲۴۵

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی بر توسعه اجتماعی با تأکید بر نقش میانجی مشارکت شهروندان

دکتر سید موسی رئیسی[۱]

تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۲۶

چکیده:

هدف از این مطالعه بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی بر توسعه اجتماعی با تأکید بر نقش میانجی مشارکت شهروندان است. این پژوهش توصیفی ـ پیمایشی و از نوع کاربردی و به لحاظ روابط بین متغیرها از نوع همبستگی است. برای رسیدن به این هدف، جامعه آماری متشکل از مدیران و کارکنان شهرداری شهر رودبار و نمونه‌ای به حجم ۹۵ نفر به روش تصادفی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. جمع‌آوری اطلاعات به وسیله ابزار پرسشنامه که روایی آن توسط صاحب‌نظران و پایایی آن توسط ضریب آلفای کرونباخ مورد تصدیق قرار گرفت، صورت پذیرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از نرم‌افزار آماری SmartPLS3 استفاده شده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد اعتماد نهادی و سرمایه اجتماعی بر توسعه اجتماعی تأثیر معناداری داشته همچنین مشارکت شهروندان بر رابطه میان اعتماد نهادی و توسعه اجتماعی نقش میانجی دارد. اما نتایج فرضیه آخر نشان داد مشارکت شهروندان بر رابطه میان سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی نقش میانجی ندارد.

مفاهیم کلیدی: *سرمایه اجتماعی، اعتماد نهادی، توسعه اجتماعی و مشارکت شهروندان*

---

[۱] گروه آموزشی علوم انسانی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران smraeisi@tvu.ac.ir

مقدمه و بیان مسأله

توسعه اجتماعی امروزه به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اساسی دولت‌ها و جوامع در سراسر جهان مطرح است. با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی و گسترش انتظارات شهروندان از نهادهای مختلف، توسعه اجتماعی تنها به معنی رشد اقتصادی یا بهبود شاخص‌های مادی محسوب نمی‌شود، بلکه ارتقای کیفیت زندگی، افزایش رفاه اجتماعی، برابری فرصت‌ها، تحکیم همبستگی اجتماعی و گسترش مشارکت مدنی نیز از مؤلفه‌های اصلی آن به‌شمار می‌رود. در همین راستا، توجه به سرمایه‌های نرم و ناملموس ـ مانند سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی ـ بیش از هر زمان دیگری اهمیت یافته است (*Halstead, et. al, 2022*). مطالعات اخیر (*Jhang, 2021*) نشان داده‌اند که توسعه اجتماعی در غیاب سرمایه اجتماعی قوی و نبود اعتماد به نهادها، با موانع اساسی، بحران‌های مشروعیت و حتی کاهش مشارکت مردمی مواجه می‌شود.

در بسیاری از کشورها، اگرچه زیرساخت‌های اقتصادی و فناوری نسبتاً پیشرفته‌اند یا سیاست‌گذاری‌های مناسبی انجام پذیرفته، ولی به دلیل ضعف در نظام اعتماد نهادی و شکنندگی سرمایه اجتماعی، فرآیند توسعه اجتماعی پایداری مشاهده نشده است. به‌عبارت دیگر، توسعه اجتماعی، مفهومی چندبعدی و پیچیده است که درک آن بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی ـ از جمله تعاملات انسانی، شبکه‌های روابط اجتماعی، اعتماد و مشارکت جمعی ـ میسر نیست. در چند دهه گذشته، پارادایم‌های توسعه‌ای، از رویکردهای صرفاً اقتصادی فاصله گرفته و بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی تأکید بیشتری کرده‌اند. چنین رویکردی، ظرفیت‌ها و پویایی‌های بی‌واسطه مردم را به‌عنوان موتور محرکه توسعه اجتماعی می‌شناسد (*Eriksson, et. al, 2021*).

یکی از عوامل مهم در این زمینه، سرمایه اجتماعی است که متشکل از اعتماد، همیاری، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای مشارکتی است و زمینه تقویت کیفیت روابط میان افراد و گروه‌ها را فراهم می‌کند. سرمایه اجتماعی با تسهیل ارتباط، تعامل و همکاری میان اقشار مختلف جامعه، می‌تواند بروز رفتارهای جمعی سازنده را افزایش دهد و راه را برای دستیابی به توسعه‌ای فراگیر هموار کند. در کنار این، اعتماد نهادی یا همان اعتماد مردم به نهادهای دولتی، اجتماعی و اقتصادی، نقشی محوری در تقویت انسجام اجتماعی، پذیرش سیاست‌های توسعه‌ای و سنجش اثربخشی راهبردهای حاکمیتی ایفا می‌کند (*Latov, 2020*). با این حال، ارتباط میان سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی از یک‌سو و توسعه اجتماعی از سوی دیگر، معمولاً خطی و مستقیم نیست، بلکه از طریق متغیرهای واسطه‌ای مانند مشارکت شهروندان

تقویت یا تضعیف می‌شود. مشارکت شهروندان، به معنای نقش‌آفرینی فعال، داوطلبانه و هدفمند افراد در فرآیندهای اجتماعی، فرهنگی و تصمیم‌سازی‌های جمعی، نه تنها خود یک خروجی ارزشمند از سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی است، بلکه نقش میانجی بی‌بدیلی در انتقال آثار مثبت این دو متغیر به توسعه اجتماعی ایفا می‌کند (*Singh & Moody, 2022*).

در این نوشتار، بر آنیم تا به بررسی نقش سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی، به تأثیر این عوامل بر توسعه اجتماعی پرداخته و با تأکید بر نقش میانجی مشارکت شهروندان، بپردازیم.

مبانی نظری پژوهش

سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ای از روابط، هنجارها، اعتماد مشترک و شبکه‌هایی تعریف می‌شود که همکاری و تعامل جمعی را تسهیل می‌کند. سرمایه اجتماعی هم در سطح فردی (مانند اعتماد بین دو فرد یا خانواده‌ها) و هم در سطح گروهی و نهادی (مانند اعتماد متقابل گروه‌ها و سازمان‌ها) قابل بررسی است (*Halstead & et. al, 2022*). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی از طریق سه کارکرد اصلی قابل تبیین است:

اول، سرمایه اجتماعی امکان گردش اطلاعات، منابع و فرصت‌ها را در جامعه افزایش می‌دهد و انگیزه برای مشارکت در برنامه‌های اجتماعی را تقویت می‌کند. دوم، سرمایه اجتماعی با تقویت حمایت‌های غیر رسمی و پشتیبانی‌های اجتماعی، تاب‌آوری و تحمل افراد در مواجهه با مشکلات و بحران‌ها را بالا می‌برد. سوم، سرمایه اجتماعی با ایجاد اعتماد عمومی و تقویت حس همبستگی، زمینه کاهش تعارضات و افزایش همکاری‌های بین‌فردی و بین‌گروهی را فراهم می‌سازد.

مطالعات نشان داده‌اند جوامعی که از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند، قادر به بسیج منابع انسانی و اجتماعی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و خلق سیاست‌های توسعه‌ای موفق‌تر هستند. همچنین سرمایه اجتماعی پویا، چسب روابط اجتماعی را تقویت می‌کند و بر مشروعیت اقدامات و سیاست‌های اجتماعی می‌افزاید (*Halstead & et. al, 2022*).

اعتماد نهادی و توسعه اجتماعی

اعتماد نهادی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی نظم اجتماعی و توسعه پایدار، به معنای میزان اطمینان و اعتقاد افراد جامعه به سلامت، کارآمدی، انصاف و پاسخگویی نهادهای حاکمیتی، اداری، قضایی و حتی غیر دولتی است. در حقیقت، این مفهوم بیش از آن که صرفاً

جنبه روان‌شناختی داشته باشد، به پیوند بنیادی میان دولت و مردم اشاره دارد؛ یعنی هر چه شهروندان بیشتر به نهادهای رسمی اعتماد داشته باشند، آمادگی بیشتری برای همکاری، پیروی از قوانین، مشارکت در برنامه‌های جمعی و حتی عبور از بحران‌های اجتماعی خواهند داشت (*Reshadi, 2020*).

در جوامعی که اعتماد نهادی بالا است، اجرای سیاست‌های توسعه‌ای با مقاومت کمتر و مشارکت بیشتر مردم همراه می‌شود، زیرا شهروندان نهادها را عادلانه، صادق و در خدمت منافع جمعی می‌دانند. این اعتماد متقابل، سرمایه‌ای نامحسوس اما بسیار تاثیرگذار ایجاد می‌کند که ظرفیت بسیج اجتماعی، مشارکت در فعالیت‌های داوطلبانه و همراهی با تصمیمات کلان را بسیار افزایش می‌دهد (*Christoforou, 2011*). به‌عبارتی، اعتماد نهادی عامل تحکیم همبستگی و پیوندهای اجتماعی است و اجازه می‌دهد جامعه با سرعت و پایداری بیشتری به سمت توسعه حرکت کند.

اما فضای بی‌اعتمادی، شرایط کاملاً معکوسی را رقم می‌زند. در چنین شرایطی، با رشد نگاه بدبینانه به سیاست‌ها و عملکرد نهادها، تمایل به کناره‌گیری، بی‌تفاوتی اجتماعی یا حتی گسترش فساد و رفتارهای گریز از قانون نیز شدیدتر می‌شود. نبود اعتماد نهادی می‌تواند تلاش‌های توسعه‌ای را از هم بپاشد یا هزینه‌های اجتماعی و سیاسی فراوانی ایجاد کند؛ از اتلاف منابع گرفته تا تضعیف مشروعیت حاکمیت و افزایش آسیب‌های اجتماعی. مطالعات میدانی نشان داده‌اند تقویت اعتماد نهادی، چه از طریق شفافیت عملکرد، چه ارتقای پاسخگویی و چه آموزش عمومی درباره نقش و جایگاه نهادها، می‌تواند نقش عظیمی در بهبود شاخص‌های توسعه اجتماعی ایفا کند. بنابراین، هر گونه راهبرد توسعه‌ای در عصر حاضر ناگزیر باید مقوله اعتماد نهادی را جدی گرفته و برای تقویت آن برنامه‌ریزی کند. تنها در سایه این اعتماد است که می‌توان انتظار داشت شهروندان در تمامی سطوح، از تصمیم‌سازی تا اجرا، مشارکت فعال داشته باشند و توسعه اجتماعی با سرعت و پایداری بیشتری تحقق یابد (*Reshadi, 2020*).

مشارکت اجتماعی و توسعه اجتماعی

مشارکت اجتماعی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه اجتماعی به‌شمار می‌رود و نقش کلیدی در پویایی و پیشرفت جوامع ایفا می‌کند. مشارکت اجتماعی به معنای حضور آگاهانه، ارادی و فعال افراد در فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه است که منجر به بهبود کیفیت زندگی جمعی می‌شود (*Constantinescu & et. al, 2019*).

نخست، مشارکت اجتماعی زمینه‌ساز افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت ارتباطات میان افراد و گروه‌های مختلف جامعه است. وقتی افراد در قالب گروه‌ها، انجمن‌ها و نهادهای مردمی به فعالیت می‌پردازند، اعتماد، همکاری و حمایت متقابل میان آن‌ها افزایش می‌یابد و شبکه‌هایی از همیاری و پیوندهای اجتماعی ایجاد می‌شود که بنیان توسعه اجتماعی را استحکام می‌بخشد (*De Zúñiga & et. al, 2018*).

دوم، مشارکت اجتماعی ارتقای احساس مسئولیت و تعلق اجتماعی را به همراه دارد. شهروندانی که خود را در امر توسعه و حل مسائل جامعه سهیم می‌دانند، با انگیزه بیشتری برای حل مشکلات و پیشبرد اهداف جمعی تلاش می‌کنند. این حس مشارکت موجب نهادینه شدن ارزش‌های مدنی مانند همکاری، احترام متقابل، و پاسخگویی اجتماعی می‌گردد (*Yani & et. al, 2017*).

در سومین سطح، مشارکت اجتماعی بستر مناسبی برای صیانت از حقوق فردی و جمعی و نیز گسترش فرصت‌های برابر فراهم می‌کند. افرادی که مشارکت می‌کنند، مطالبه‌گر حقوق خود و سایر شهروندان می‌شوند و به گونه‌ای فعال بر روند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی اثرگذار خواهند بود (*Gaber & et. al, 2020*).

در نهایت، مشارکت اجتماعی نقش مهمی در تقویت سرمایه انسانی ایفا می‌کند. تجربه حضور، آموزش، مذاکره و کار جمعی سبب رشد مهارت‌های ارتباطی، فکری و مدیریتی شهروندان می‌شود و نیروی انسانی توانمند و خلاقی را برای توسعه اجتماعی آینده ایجاد می‌نماید (*Simonofski & et. al, 2021*).

به این ترتیب، مشارکت اجتماعی نه تنها سبب تحکیم زیربناهای توسعه اجتماعی می‌شود، بلکه فرآیند دستیابی به توسعه پایدار، فراگیر و همگرا را نیز تسریع و تسهیل می‌کند.

پیشینه پژوهش

الف) تحقیقات داخلی

حسینی و همکاران در ۱۳۹۹، به طراحی مدل توسعه اجتماعی متأثر از سرمایه اجتماعی کلان شهر اراک پرداختند. روش تحقیق، کیفی مبتنی بر رویکرد داده بنیاد بوده است. جامعه آماری را شهروندان ساکن اراک در سال ۱۳۹۸ دارای حداقل سن ۲۵، حداقل سابقه سکونت ۵ سال و حداقل مدرک تحصیلی کارشناسی تشکیل داد. نمونه آماری را گروه ۲۵ نفری تشکیل داد که مصاحبه با آن‌ها تا دست‌یابی به داده‌های در سطح اشباع ادامه یافت. روش تحلیل داده‌ها پیروی از تحقیق کیفی کریپندورف بود که در آن مراحل هشت‌گانه تشخیص

واحد داده، کدگذاری، استخراج، تقلیل، طبقه‌بندی، تفسیر، تحلیل و استنباط بصورت متوالی طی گردید تا به الگوریتم مدل مفهومی دست یافت. یافته‌های این مطالعه نشان داد مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی تجربه شده در جامعه شهر اراک عبارتند از: اعتماد، مشارکت، انسجام، آگاهی و مشارکت. همچنین مهم‌ترین مؤلفه‌های تجربه شده توسعه اجتماعی به ترتیب بیشترین اهمیت و نمود اجتماعی تجربه شده عبارتند از: امنیت اجتماعی، وفاق اجتماعی، اخلاق توسعه و کیفیت زندگی. ضمن اینکه هر یک از این مؤلفه‌ها خود شامل سه تا پنج مقوله فرعی بود که مورد شناسایی قرار گرفتند و در مدل تحقیق جانمایی گردیدند. در نهایت مدل توسعه اجتماعی مبتنی بر سرمایه اجتماعی تجربه شده در شهر اراک طراحی و ارائه گردید (*Hosseini & et. al, 2020*).

غفوری و همکاران در ۱۳۹۶، به بررسی شاخص‌های سرمایه اجتماعی و شاخص‌های مدیریتی متأثر بر افزایش میزان مشارکت شهروندان در امور مربوط به امور شهری می‌باشد. لذا تحقیق مورد نظر به لحاظ هدف از نوع کاربردی و مواد و روش از نوع توصیفی ـ تحلیلی می باشد. برای انتخاب حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده گردید که با توجه به مشخص بودن حجم جامعه آماری و ضریب اطمینان ۹۵٪ با توجه به جمعیت شهر پارساباد مغان تعداد نمونه ۳۲۲ بدست آمد که برای نتیجه‌گیری بهتر تعداد پرسشنامه‌ها به تعداد ۳۹۰ عدد افزایش یافت. در این پژوهش برای سنجش متغیرها و پاسخگویی به فرضیات تحقیق و تأثیر هر یک از معیارهای سرمایه اجتماعی و شاخص های مدیریتی مشارکت شهروندان قابل اندازه‌گیری بر میزان مشارکت شهروندان به‌عنوان متغیر وابسته و همچنین تأثیر مستقیم و غیر مستقیم هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، روش پیرسون جهت شناخت میزان ضریب همبستگی و رگرسیون خطی جهت ضریب تعیین و *Beta* مورد استفاده قرار گرفته است تا اطلاعاتی در زمینه علیت‌ها و روندهای موجود به دست دهد. لذا از بابت اینکه تعداد سؤالات برای هر کدام از متغیرها زیاد بوده، لذا در ابتدای امر با استفاده از روش تحلیل عاملی به کاهش تعداد داده‌ها (برای متغیر شاخص‌های مدیریتی تعداد ۴ متغیر با کدهای *MI* متغیر سرمایه اجتماعی به ۶ متغیر با کدهای *SC* و برای متغیر مشارکت شهروندان تعداد ۴ متغیر نهایی با کد *P*) پرداخته شده است. نتایج نشان داد که میان متغیرهای سرمایه اجتماعی و شاخص‌های مدیریتی با ارتقای میزان مشارکت شهروندان رابطه معناداری وجود دارد (*Yaghfouri, et. al, 2017*).

بستانی و همکاران در سال ۱۳۹۶، به ارزیابی سرمایه اجتماعی از نظر مشارکت، دانش، اعتماد و انسجام اجتماعی پرداختند و عنوان داشتند پیش‌بینی می‌شود که جمعیت شهری در

کشورهای در حال توسعه از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۳۰ بیش از دو برابر افزایش یابد. این انتقال سریع جمعیت به شهرها دشوار خواهد بود. بنابراین، مدیریت شهری درگیر چالش‌های متعددی در شهرها خواهد بود. به همین منظور، سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک برنامه‌ریزی از پایین به بالا، یکی از راه‌های مناسب مدیریت و مقابله با این چالش‌ها است. هدف این مطالعه، سنجش سرمایه اجتماعی در چهار بُعد دانش، مشارکت، انسجام اجتماعی و اعتماد در زاهدان بود. روش تحقیق این پژوهش توصیفی ـ تحلیلی از نوع کاربردی است. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از مطالعات کتابخانه‌ای و پیمایش (پرسشنامه) استفاده شد. سؤالات این نظرسنجی بر اساس چهار شاخص سرمایه اجتماعی طراحی شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، ۵۷۵۱۱۶ نفر ساکن زاهدان در سال ۱۳۹۰ است. برای محاسبات از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. نتایج تحلیل نشان می‌دهد که معیارهای سرمایه اجتماعی در شهر زاهدان در هر چهار معیار نامطلوب است (*Bostani, et. al, 2017*).

ب) تحقیقات خارجی

محمود، ۲۰۲۱، در مطالعه خود به دنبال شناسایی عواملی است که می‌توانند تغییرات سطح اعتماد شهروندان به نهادهای عمومی را توضیح دهند. بر اساس داده‌های نظرسنجی از ۱۴۴۰ پاسخ‌دهنده از ۱۶ دفتر اداری اوپازیلا، مشخص شد که اولاً، اعتماد شهروندان به این دفاتر بالا است. ثانیاً، متغیرهای جمعیت‌شناختی مربوط به شغل شهروندان، مانند فعالیت سیاسی و کار در سازمان‌های مردم‌نهاد، قوی‌ترین تأثیر کلی را بر تغییرات اعتماد شهروندان به دفاتر اداری اوپازیلا دارند. مشارکت مدنی یا انجمن‌های شهروندان برای تأمین خدمات نیز بیش از متغیرهای عملکرد بر اعتماد به دفاتر اداری اوپازیلا تأثیر می‌گذارد(*Mahmud, 2021*).

اریکسون و همکاران، ۲۰۲۱، به بررسی سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار اجتماعی پرداختند و عنوان داشتند توسعه سرمایه اجتماعی به‌عنوان کلید توسعه اجتماعی پایدار شناخته شده است. اطلاعات کمی در مورد چگونگی تغییر سرمایه اجتماعی در طول زمان و چگونگی همبستگی آن با عوامل اجتماعی ـ جمعیتی و اجتماعی ـ اقتصادی وجود دارد. این مطالعه در ۴۶ محله در شهرداری اومئو، شمال سوئد انجام شد. هدف بررسی ویژگی‌های سطح محله مرتبط با تغییرات در سرمایه اجتماعی محله و بحث در مورد پیامدهای سیاست‌های محلی برای توسعه اجتماعی پایدار بود. ما یک مطالعه اکولوژیکی طراحی کردیم که داده‌های نظرسنجی را به داده‌های ثبت شده در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۲۰ مرتبط می‌کرد. طی ۱۴ سال،

سرمایه اجتماعی در ۹ محله افزایش و در ۱۵ محله کاهش یافت. سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی با عوامل اجتماعی ـ جمعیتی خاصی مرتبط بود، اما این عوامل در مناطق شهری و روستایی متفاوت بودند. محله‌های شهری با نسبت بالاتر مستمری‌بگیران مسن‌تر ($OR = 1.49$، $CI: 1.16\text{-}1.92$)، کودکان زیر ۱۲ سال ($OR = 2.13$، $CI: 1.31\text{-}3.47$) یا نسبت پایین‌تر اعضای متولد خارج از کشور ($OR = 0.32$، $CI: 0.19\text{-}0.55$) شانس بیشتری برای سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی داشتند. در محله‌های روستایی، نسبت بالاتر خانوارهای تک‌والد با سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی مرتبط بود .عوامل اجتماعی ـ اقتصادی محله مانند درآمد یا سطح تحصیلات بر سرمایه اجتماعی محله تأثیری نداشتند. این مطالعه با استفاده از اندازه‌گیری‌های مکرر سرمایه اجتماعی، بینش‌هایی در مورد چگونگی تغییر سرمایه اجتماعی در طول زمان در مناطق محلی و عوامل مؤثر بر توسعه آن ارائه می‌دهد(*Eriksson & et. al, 2021*).

فرضیات پژوهش

۱. اعتماد نهادی بر توسعه اجتماعی تأثیر معناداری دارد.

۲. سرمایه اجتماعی بر توسعه اجتماعی تأثیر معناداری دارد.

۳. اعتماد نهادی بر توسعه اجتماعی با تأکید بر نقش میانجی مشارکت شهروندان تأثیر معناداری دارد.

۴. سرمایه اجتماعی بر توسعه اجتماعی با تأکید بر نقش میانجی مشارکت شهروندان تأثیر معناداری دارد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اجرای پژوهش توصیفی ـ پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش متشکل از مدیران و کارکنان شهرداری شهر رودبار است که نمونه‌ای به حجم ۹۵ نفر به روش تصادفی از این افراد انتخاب و پرسشنامه پژوهش میان آن‌ها توزیع گردید. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش پرسشنامه محقق ساخته بوده است. در این پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری با کمک روش حداقل مربعات جزیی و نرم‌افزار *PLS* جهت بررسی آزمون فرضیات و صحت مدل استفاده شده است. *PLS* نگرشی مبتنی بر واریانس است که در مقایسه با تکنیک‌های مشبه معادلات ساختاری همچون لیزرل و ایمون

به شروط کمتری نیاز دارد و مزیت اصلی آن این است که در مقایسه با مدل‌سازی با لیزرل به تعداد کمتری نمونه نیاز دارد.

یافته‌های پژوهش

مدل‌سازی در *PLS* در دو مرحله انجام می‌شود در اولین مرحله، مدل اندازه‌گیری باید از طریق تحلیل‌های پایایی و روایی بررسی گردد و در مرحله دوم مدل ساختاری به وسیله برآورد مسیر بین متغیرها و تعیین شاخص‌های برازش مدل تحلیل می‌شود.

مرحله اول: مدل اندازه‌گیری

آزمون مدل اندازه‌گیری مربوط به بررسی روایی و پایایی ابزارهای اندازه‌گیری است.

برای ارزیابی روایی هم‌گرا از معیار *AVE* (میانگین واریانس استخراج شده) و *CR* (پایایی مرکب) استفاده شد که نتایج این معیار برای ۴ متغیر پژوهش در جدول ۱ نشان داده شده است. پایایی مرکب بالاتر از ۰,۷ و میانگین واریانس بالاتر از ۰,۵ دو شرط لازم برای اعتبار همگرا و هم‌بستگی سازه‌هاست. همان‌طور که از جدول ۱ مشخص است تمام مقادیر پایایی مرکب بالاتر از ۰,۷ و مقادیر مربوط به میانگین واریانس بالاتر از ۰,۵ است و این مطلب مؤید آن است که روایی همگرایی پرسش‌نامه حاضر در حد قابل قبولی است.

جهت بررسی پایایی پرسشنامه نیز روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. اگر مقدار آلفای کرونباخ از ۰,۷۰ بیشتر باشد، پایایی سؤالات قابل قبول است. به منظور محاسبه پایایی پرسشنامه، نمونه اولیه شامل ۳۰ پرسشنامه پیش آزمون گردید و سپس با استفاده از داده‌های بدست آمده از این پرسشنامه‌ها و به کمک نرم‌افزار آماری *SPSS* برای هر کدام از متغیرهای مستقل و وابسته، پایایی محاسبه شد که به صورت جدول زیر می‌باشد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود همه سؤالات پرسشنامه از پایایی بالای ۰,۷۰ برخوردار هستند، که نشانگر درجه پایایی و قابلیت اعتماد بالای پرسشنامه است. با توجه به نتایج جدول ۱ می‌توان دید پایایی پرسشنامه تأیید شده است. علاوه بر آلفای کرونباخ از پایایی شاخص نیز جهت بررسی پایایی پرسشنامه استفاده شده است. پایایی شاخص نیز با سنجش بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌گردد که اگر این مقدار برابر یا بیشتر از ۰,۳ شود مؤید این مطلب است که پایایی در مورد آن مدل اندازه‌گیری مورد قبول است. ولی اگر مقدار بار عاملی میان یک سؤال و بعد مربوطه کمتر از ۰,۳ شود، می‌توان آن سؤال را از مدل تجزیه و تحلیل‌های بعدی حذف کرد. همان‌طور که در شکل ۱ و ۲ مشاهده

می‌شود، تمام مقادیر بارهای عاملی میان سازه‌ها و سؤالات بیشتر از ۰,۳ است که همبستگی بالایی را نشان می‌دهد.

جدول ۱: بررسی روایی و پایایی سؤالات پرسشنامه

Table 1: *Validity and Reliability of Questionnaire Questions*

متغیرها	*AVE*	*CR*	آلفای کرونباخ
Variables	*AVE*	*CR*	*Cronbach's Alpha*
اعتماد نهادی	۰,۵۰۰	۰,۷۹۵	۰,۷۹۱
توسعه اجتماعی	۰,۵۲۳	۰,۸۶۴	۰,۸۲۲
سرمایه اجتماعی	۰,۵۹۵	۰,۸۵۰	۰,۷۸۵
مشارکت شهروندان	۰,۵۳۰	۰,۷۶۷	۰,۷۶۵

روایی واگرا

روایی واگرا سومین معیار سنجش برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش *PLS* است. روایی واگرا به همبستگی پایین گویه‌های یک متغیر پنهان با سایر متغیرهای پنهان اشاره دارد. بر اساس روش پیشنهادی فورنل و لارکر (۱۹۸۱)، روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که جذر *AVE* برای هر سازه بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن سازه و سازه‌های دیگر در مدل باشد. بر این اساس روایی واگرای قابل قبول یک مدل اندازه‌گیری حاکی از آن است که یک سازه در مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارد تا با سازه‌های دیگر. در روش *PLS*، این امر به وسیله یک ماتریس صورت می‌گیرد که خانه‌های این ماتریس حاوی مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها و قطر اصلی ماتریس جذر مقادیر *AVE* مربوط به هر سازه است. ماتریس روایی واگرا در جدول ۲ ارائه شده است.

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌کنید، جذر *AVE* که برای هر سازه گزارش شده است (قطر اصلی) از همبستگی آن با سایر سازه‌های مدل بیشتر است که این موضوع بیانگر روایی واگرای قابل قبول برای مدل‌های اندازه‌گیری است. پس از اطمینان از مدل‌های اندازه‌گیری از طریق آزمون پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا، می‌توان نتایج حاصل از مدل بیرونی را ارائه کرد.

جدول ۲: ماتریس سنجش روایی واگرا

Table 2: *Divergent Validity Measurement Matrix*

	اعتماد نهادی *Institutional Trust*	توسعه اجتماعی *Social Development*	سرمایه اجتماعی *Social Capital*	مشارکت شهروندان *Citizen Participation*
اعتماد نهادی	۰,۷۳۳			
توسعه اجتماعی	۰,۵۶۰	۰,۷۵۰		
سرمایه اجتماعی	۰,۵۷۷	۰,۶۷۱	۰,۷۰۴	
مشارکت شهروندان	۰,۷۰۵	۰,۶۷۹	۰,۴۵۵	۰,۷۵۶

بررسی نیکویی برازش مدل

جدول ۳: شاخص‌های نیکویی برازش بدست آمده

Table 3: *Obtained Goodness of Fit Indices*

ابعاد	شاخص R^2	شاخص Q^2	*GOF*
اعتماد نهادی	-----	۰,۴۲	۰,۷۱۸
توسعه اجتماعی	۰,۶۳۶	۰,۴۱	
سرمایه اجتماعی	-----	۰,۳۹	
مشارکت شهروندان	۰,۵۰۰	۰,۴۳	

ضریب تعیین نشان از تأثیر متغیر برون‌زا بر متغیر درون‌زا دارد. این معیار قابلیت کاهش خطاها در مدل اندازه‌گیری و افزایش واریانس بین سازه و شاخص‌ها را دارد و صرفاً در *PLS* کنترل می‌شود. سه مقدار ۰,۱۰، ۰,۲۲ و ۰,۵۷ به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای شدت رابطه شده‌اند که با توجه به مقدار ضریب تعیین بدست آمده از جدول ۳، مقدار ضریب تعیین متغیرهای دورن‌زا در حد قابل قبولی است.

کیفیت مدل ساختاری توسط شاخص قدرت پیش‌بینی (Q^2) محاسبه می‌گردد. هدف این شاخص بررسی توانایی مدل ساختاری در پیش‌بینی به روش چشم‌پوشی می‌باشد که بر اساس این ملاک مدل باید نشان‌گرهای متغیرهای مکنون درون‌زا انعکاسی را پیش‌بینی کند. در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل سه مقدار ۰,۰۲ ، ۰,۱۵ و ۰,۳۵ را به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی تعیین نموده‌اند که با توجه به میزان بدست آمده برای تمامی متغیرهای جدول فوق این میزان قابل قبول است.

معیار نیکویی برازش (GOF) مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است که پس از بررسی بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش خود، برازش کلی را نیز کنترل نماید و سه مقدار ۰,۰۱ و ۰,۲۵ و ۰,۳۶ را بعنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی معرفی شدند؛ که با محاسبه مدل مقدار قوی برازش شد.

مرحله دوم: مدل ساختاری و آزمون فرضیات

پاسخ به فرضیه‌های پژوهش

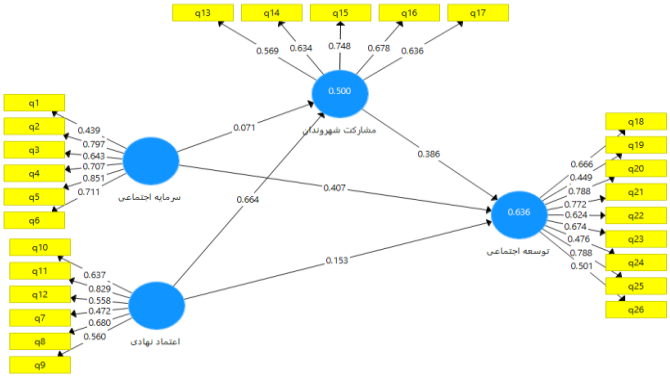
طبق نتایج بدست آمده از ضریب مسیر (بیانگر شدت و نوع رابطه بین دو متغیر پنهان) و آماره t، اعتماد نهادی و سرمایه اجتماعی بر توسعه اجتماعی تأثیر معناداری داشته همچنین مشارکت شهروندان بر رابطه میان اعتماد نهادی و توسعه اجتماعی نقش میانجی دارد. اما نتایج فرضیه آخر نشان داد مشارکت شهروندان بر رابطه میان سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی نقش میانجی ندارد.

جدول ۴: بررسی نتایج فرضیه‌های پژوهش

Table 4: *Review of the Results of the Research Hypotheses*

فرضیه‌ها	ضریب مسیر استاندارد شده	آماره t	معناداری	رد یا تأیید فرضیه
Hypotheses	*Standardized Path Coefficient*	*t*	*Sig.*	*Rejection or Confirmation of Hypothesis*
اعتماد نهادی -> توسعه اجتماعی	۰,۱۵۳	۲,۳۱	۰,۰۲۱	رد فرض صفر
سرمایه اجتماعی -> توسعه اجتماعی	۰,۴۰۷	۶,۲۸	۰,۰۰۰	رد فرض صفر
اعتماد نهادی -> مشارکت شهروندان -> توسعه اجتماعی	۰,۲۵۶	۴,۶۰	۰,۰۰۰	رد فرض صفر
سرمایه اجتماعی -> مشارکت شهروندان -> توسعه اجتماعی	۰,۰۲۸	۰,۹	۰,۳۶	پذیرش فرض صفر

مدل تحلیل مسیر برای فرضیات پژوهش

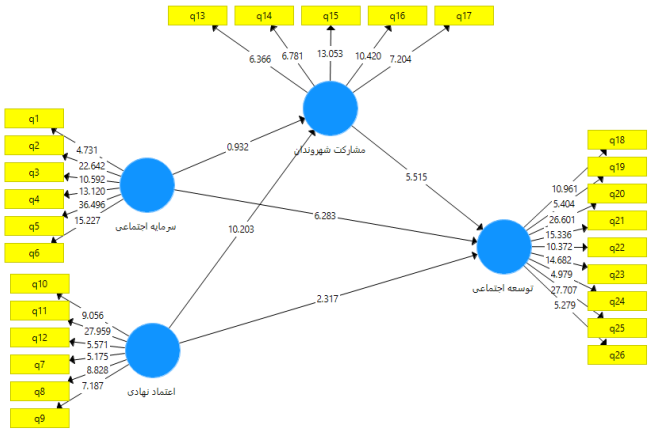


شکل ۱: تحلیل عاملی تأییدی با حداقل مربعات جزئی

Figure 1: *Confirmatory Factor Analysis with Partial Least Squares*

سنجش مدل ساختاری اعداد معناداری

اصلی‌ترین معیار برای سنجش رابطه میان سازه‌ها در مدل ، اعداد معناداری t می‌باشد. در صورتی که مقدار این اعداد از ۱/۹۶ بیشتر شود نشان از صحت رابطه میان سازه‌ها و در نتیجه تأیید فرضیه‌های پژوهش در سطح ۹۵ درصد اطمینان است.



شکل ۲: تحلیل عاملی تأییدی (آماره *t-value*)

Figure 2: *Confirmatory Factor Analysis (T-Value Statistic)*

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی، هر دو نقش چشم‌گیری در توسعه اجتماعی ایفا می‌کنند و همچنین مشارکت شهروندان به‌عنوان میانجی، این تأثیر را تقویت و هدایت می‌کند. نتایج با پیشینه پژوهش‌های متعددی (*Eriksson, et. al, 2021* و *Hosseini, et. al, 2020*) همسو است که تأکید بر اهمیت روابط اجتماعی، انسجام، و سرمایه‌های فرهنگی در فرآیند توسعه اجتماعی دارند.

سرمایه اجتماعی، مفهومی چند بعدی است که از طریق تقویت شبکه‌های ارتباطی، ایجاد اعتماد متقابل و شکل‌دهی هنجارهای همکاری، بستر لازم برای تعاملات اثربخش میان اعضای جامعه را فراهم می‌آورد. وجود شبکه‌های ارتباطی گسترده و پایدار، موجب گردش اطلاعات، تبادل تجربیات و انتقال هنجارها و ارزش‌های مشترک می‌شود؛ به گونه‌ای که افراد احساس تعلق و همبستگی بیشتری با یکدیگر دارند. اعتماد متقابل که یکی از ارکان اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود، انگیزه‌بخش رفتارهای کنشگرانه و مبتنی بر همکاری است و زمینه را برای شکل‌گیری اعتماد جمعی و کاهش هزینه‌های تعاملات اجتماعی مهیا می‌سازد. بر اساس مطالعات متعدد، سطح بالای سرمایه اجتماعی پیامدهایی همچون افزایش مشارکت در امور اجتماعی، ارتقای مسئولیت‌پذیری جمعی، تسهیل حل و فصل تعارضات و در نهایت تسریع فرآیند توسعه اجتماعی را به دنبال دارد. همان‌گونه که محققان تأکید می‌کنند، جوامعی که از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردارند، غالباً ساختارهای مشارکتی‌تر و حس اعتماد فراگیری دارند که این ویژگی‌ها موجب ایجاد قدرت جمعی برای مواجهه با مسائل و تحقق اهداف راهبردی می‌شود. یافته‌های پژوهش حاضر نیز مؤید آن است که سرمایه اجتماعی نه تنها به صورت مستقیم بر توسعه اجتماعی اثرگذار است، بلکه با افزایش تمایل و میزان مشارکت شهروندان، این روند را شتاب می‌بخشد (*Singh & Moody, 2022*). به بیان دیگر، سرمایه اجتماعی با فراهم کردن زمینه‌های مشارکت فعال، همچون کاتالیزوری عمل می‌کند که اثرگذاری دیگر عوامل توسعه‌ای را نیز تقویت می‌نماید.

از سوی دیگر، اعتماد نهادی به‌عنوان مؤلفه‌ای کلیدی و بنیادین از سرمایه اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی نگرش و رفتار شهروندان نسبت به نهادهای دولتی، مدنی و حتی غیر دولتی ایفا می‌کند. اعتماد نهادی، ادراک شهروندان از کارآمدی، عدالت، شفافیت و مشروعیت نهادها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به‌طوری که بالا بودن این نوع اعتماد سبب تقویت انگیزه برای مشارکت فعال‌تر در امور اجتماعی و مشارکت سیاسی می‌شود. زمانی که افراد نسبت به عملکرد، صداقت و پاسخگویی نهادهای رسمی اطمینان دارند، فعالیت در

فرآیندهای جمعی و ایفای نقش‌های شهروندی با رغبت و اطمینان بیشتری انجام می‌گیرد. بر اساس نتایج تحقیق، هر چه اعتماد عمومی به نهادهای مختلف ـ از دولتی گرفته تا سازمان‌های مردم‌نهاد و اجتماعی ـ افزایش پیدا کند، مشارکت شهروندی گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌شود. این پویایی مشارکتی، زمینه را برای تقویت انسجام اجتماعی، ارتقای همبستگی ملی و در نهایت بهبود شاخص‌های کلان توسعه اجتماعی فراهم می‌سازد. در واقع، اعتماد نهادی به منزله سازوکاری برای کاهش نااطمینانی‌ها و مخاطرات ادراک‌شده عمل می‌کند و انگیزه همیاری و کنش جمعی را در سطح جامعه ارتقا می‌دهد.

نکته مهم مطالعه حاضر، تأکید بر نقش میانجی مشارکت شهروندان است. مشارکت شهروندی، پیونددهنده سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی با توسعه اجتماعی شناخته شد. در واقع، افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی، بدون ترجمه شدن به رفتار مشارکتی در جامعه، نمی‌تواند به‌طور کامل منجر به توسعه اجتماعی شود. بنابراین تقویت زمینه‌های مشارکت‌های مدنی، فعالیت‌های داوطلبانه، و حمایت نهادی از مشارکت اجتماعی پیشنهاد می‌شود.

از جمله محدودیت‌های پژوهش می‌توان به دامنه جغرافیایی محدود، استفاده از روش خودگزارشی و امکان تأثیر عوامل بیرونی مانند شرایط اقتصادی و سیاسی اشاره کرد. برای مطالعات آینده، توصیه می‌شود متغیرهایی همچون حمایت‌های دولتی، فرهنگ سیاسی و هزینه فرصت مشارکت اجتماعی نیز مدنظر قرار گیرد. همچنین بهره‌گیری از روش‌های ترکیبی (کیفی و کمی) و انجام مطالعات طولی می‌تواند در روشن‌تر شدن مسیر علی متغیرها مؤثر باشد.

به‌طور کلی، سرمایه اجتماعی و اعتماد نهادی با واسطه‌گری مشارکت شهروندان نقش قابل توجهی در توسعه اجتماعی دارند. یافته‌ها بر این واقعیت تأکید دارند که تقویت اعتماد متقابل، انسجام اجتماعی و اعتماد به نهادها به شرط فراهم شدن زمینه‌های مشارکت واقعی و مؤثر شهروندان، می‌تواند مسیر توسعه اجتماعی را تسهیل و تسریع بخشد.

Reference:

Bostani, M. K., Shojaifar, M. R., Riki, J., Shahbakhsh, A., & Hashemzehi, S. (2017). "Assessment of Social Capital in terms of Participation, Knowledge, Trust, and Social Cohesion: Zahedan Case Study", Journal of History Culture and Art Research, 6(1), 720-736. (Persian).

Constantinescu, M., Orindaru, A., Caescu, Ş. C., & Pachitanu, A. (2019). "Sustainable development of urban green areas for quality of life improvement-argument for increased citizen participation", Sustainability, 11(18), 4868. https://doi.org/10.3390/ su11184868.

De Zuniga, H. G., Barnidge, M., & Scherman, A. (2018). "Social media social capital, offline social capital, and citizenship: Exploring asymmetrical social capital effects", In Digital politics: Mobilization, engagement and participation (pp. 44-68). Routledge.

Eriksson, M., Santosa, A., Zetterberg, L., Kawachi, I., & Ng, N. (2021). "Social capital and sustainable social development-How are changes in neighbourhood social capital associated with neighbourhood sociodemographic and socioeconomic characteristics?", Sustainability, 13(23), 13161. https://doi.org/ 10.3390/ su132313161.

Gaber, J. (2020). "Building "a ladder of citizen participation": Sherry Arnstein, citizen participation, and model cities", In Learning from Arnstein's Ladder (pp. 13-34). Routledge.

Halstead, J. M., Deller, S. C., & Leyden, K. M. (2022). "Social capital and community development: Where do we go from here?" Community Development, 53(1), 92-108. https://doi.org/10.1080/ 15575330.2021.1943696.

Hosseini, Seyda Ibrahim, Navabakhsh, Farzad, Seydi, & Frank. (2020). "Designing a social development model influenced by social capital in the metropolis of Arak with an emphasis on Putnam's theory", Political Studies, 50(13), 61-86. (Persian).

Jhang, F. H. (2021). "Bonding social capital and political participation: the mediating role of political interest", The Social Science Journal, 1-16. https://doi.org/10.1080/ 03623319. 2021. 1919846.

Latov, Y. (2021). “Institutional trust as a social capital in modern Russia (on the results of monitoring)”, Polis. Political Studies, 31(5), 161-175. https://open.mgimo.ru/handle/123456789/3777.

Mahmud, R. (2021). “What explains citizen trust in public institutions?”, Quality of government, performance, social capital, or demography. Asia Pacific Journal of Public Administration, 43(2), 106-124. https://doi.org/10.1080/23276665.2021.1893197.

Mendoza-Botelho, M. (2013). “Social capital and institutional trust: Evidence from Bolivia's popular participation decentralisation reforms”, The Journal of Development Studies, 49(9), 1219-1237. https://doi.org/10.1080/00220388.2013.786961.

Reshadi, M. (2020). “Association between Trust and Social Participation (Case Study: Citizens in Hamadan Province)”, Quarterly of Social Studies and Research in Iran, 9(4), 907-930. 10.22059/JISR.2020.300138.1045. (Persian).

Simonofski, A., Vallé, T., Serral, E., & Wautelet, Y. (2021). “Investigating context factors in citizen participation strategies: A comparative analysis of Swedish and Belgian smart cities”, International Journal of Information Management, 56, 102011.

Singh, M. K., & Moody, J. (2022). “Do social capital and networks facilitate community participation?”, International Journal of Sociology and Social Policy, 42(5/6), 385-398.

Yaghfouri, H.; Aghaei Vahed, Moazani M., & Badli A. (2017). The role of management indicators and social capital in improving the level of citizen participation in urban affairs (Case study: Parsabad Moghan city). (Persian).

Yani, A. A., Hidayat, A. R., Hans, A., Yunus, A. Y., Tadjang, S., & Agam, A. N. (2017, November). Measuring quality of citizens' participation in local development, in International Conference on Administrative Science (ICAS 2017) (pp. 24-28). Atlantis Press.

Investigating the Impact of Social Capital and Institutional Trust on Social Development with an Emphasis on the Mediating Role of Citizen Participation

Seyed Mousa Raeisi (Ph.D)[1]

DOI: 10.22055/QJSD.2022.20200

Abstract:

The aim of this study is to investigate the effect of social capital and institutional trust on social development with an emphasis on the mediating role of citizen participation. This is a descriptive-survey and applied research, and in terms of the relationships between variables, it is a correlation type. To achieve this goal, a statistical population consisting of managers and employees of the Rudbar city municipality and a sample of 95 people were studied randomly. Data collection was carried out using a questionnaire whose validity was confirmed by experts and its reliability was confirmed by Cronbach's alpha coefficient. SmartPLS3 statistical software was used to analyze the data and test the hypotheses. The findings of this study show that institutional trust and social capital have a significant effect on social development, and citizen participation plays a mediating role on the relationship between institutional trust and social development. However, the results of the last hypothesis showed that citizen participation does not play a mediating role on the relationship between social capital and social development.

Key Concepts: *Social Capital, Institutional Trust, Social Development, Citizen Participation*

[1] Department of Humanities, Technical and Vocational University, Tehran, Iran smraeisitvu.ac.ir

© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/).